

سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس

جزیره های : باسعدوی قشم ، بوموسی ، نمب بزرگ (نمب نمب) ، نمب کوچک (نمب مار)

- ۳ -

«ثالثاً» در مورد رفتار نسبت به مأمور گمرک اظهار حیرت و تعجب کردم که در عهدی که تمام دول به احترام حقوق دیگران دعوت میشوند چنین رفتاری از طرف مأمورین و بحریه انگلیس در نقض حاکمیت ایران بعمل آید و قوای بحریه انگلستان در خاک ایران مداخله مسلح نموده و یکنفر مأمور ایران را در حین انجام وظیفه دستگیر و در کشتی جنگی مجبوس و از محل مأموریت خود بنقطه دیگر تبعید نمایند.

«رابعاً» نسبت به موضوع قویاً و شدیداً پروتست نمودم اول به مداخله مسلح مأمورین بحری انگلیس در خاک و آب ایران، ثانیاً به این مطلب که در چند نقطه مراسله خود تصریح بناحیه انگلیسی با سعید و کرده اند و اشاره به آبهای ساحلی آن نموده بودند و سوم رفتار برخلاف قاعده ای که نسبت به مأمور رسمی ایران به این ترتیب که عرض شد نموده بودند و در خاتمه مراسله اطلاع دادم که مأمور گمرک و فراش بمحل مأموریت خود اعاده شوند و جداً تقاضا کردم که دولت انگلستان در جبران و ترمیم این قضیه و تأدیب مأمورین مربوطه اقدام کند (صحیح است) علاوه بنماینده دولت شاهنشاهی در لندن دستور دادم که در آنجا هم قویاً بر ضد این رفتار اعتراض و اقداماتی بنمایند (احسن. احسن). . . . باز هم يك مرتبه دیگر در این مقام رسمی تکرار میکنم که با سعید و ملک مسلم و جزع لاینجزی و لاینفک خاک ایران میباشد و هیچ نوع ناحیه انگلیسی و آبهای ساحلی و هیچ قسم حق تصرفی برای دولت انگلیس در این نقطه تا بحال شناخته نشده و بعد از این شناخته نخواهد شد و همانطور که دولت در تحت توجهات خاصه و سرپرستی قائد توانای عظیم الشان این مملکت در سایر امور مملکتی به وظائف ملی و وطن پرستی خود عمل میکنند در این مورد هم حقوق حاکمیت و مالکیت ایران را دفاع خواهد کرد (احسن - احسن) (۱)

اختلاف ایران و انگلستان بر سر قضیه با سعید و بالا گرفت و دیپلماتهای انگلیسی با

۱ - نقل از مذاکرات مجلس شورای ملی دوره نهم جلسه ۴۲ بشماره مسلسل ۵۸۶ و بنقل از صفحه ۸۵۲ - ۸۵۴ جلد دوم کتاب دریاوردی ایسرا نیان تألیف اسماعیل رائین و صورت مذاکرات مجلس شورای ملی ۳۰ مهر ۱۳۱۲

سرخنی مقاومت میکردند و دولت ایران شکایتی بدبیرخانه «جامه ملل» تسلیم کرد و مرحوم ذکاءالملک فروغی از طرف دولت ایران مأموریت یافت بعنوان نماینده دولت ایران در جلسه داورى دیوان بین‌المللی حضور یابد و از دولت ایران و حقوق حقه ایران دفاع کند. با اینکه ریاست داوران بین‌المللی را یکنفر انگلیسی بعهد داده بود فروغی با شخصیت بین‌المللی خود و دلائل منطقی و تاریخی که ارائه داد توانست آراء داوران دیوان بین‌المللی را باتفاق آراء بنفع حقانیت ایران اخذ کند و انگلیسیان هم برای حفظ شئون سیاسی خود تسلیم به این رای شدند و تخلیه باسعیدورا پذیرفتند.

دیپلماسی انگلستان چون بناچار تخلیه باسعیدورا پذیرفت، سفیر خود در تهران را مأمور حل این اختلاف کرد. در فروردین ماه ۱۳۱۴ هجری شمسی وزیر مختار انگلیس باتفاق همسرش بعنوان گردش با یک کشتی جنگی به بعضی از جزائر و بنادر خلیج فارس از جمله به باسعیدورفت و در مراجعت بتهران حسب دستور وزیر امور خارجه انگلیس یادداشتی مودخ بتاریخ دوم آوریل ۱۹۳۵ برابر با ۱۲ فروردین ۱۳۱۴ خورشیدی بعنوان وزیر امور خارجه ایران فرستاد و اعلام کرد: خطهوائی دولت انگلستان به سواحل جنوبی خلیج فارس منتقل خواهد شد و بازرگانی سواحل جنوبی خلیج فارس رونق و اعمیت فوق‌العاده خواهد یافت و تأسیسات باسعیدو به بحرین منتقل خواهد شد و قراردادهائی با شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس امضاء شده است که حافظ منافع اعراب سواحل جنوبی خلیج فارس و اتباع دولت انگلستان است.

دو روز بعد یعنی در ۱۴ فروردین ماه ۱۳۱۴ خورشیدی وزارت امور خارجه ایران نامه جوابیه‌ای بعنوان وزیر مختار انگلستان در تهران فرستاد که ضمن حفظ حقوق و دعاوی ایران نسبت به مسائل دیگری که در واقع نظر به نیرنگهای سیاسی نامه‌نگاری دیپلماسی انگلیس در مورد بحرین و سعی در اعراب دولت ایران اشاره شده بود، اقدام دولت انگلیس در تخلیه باسعیدو را بامسرت تلقی نمود. مرحوم حسین‌علاء وزیر مختار ایران در لندن نیز همین مطلب را بطور رسمی باطالع وزارت امور خارجه رسانید.

بالاخره کشتی «شورهام» عده‌ای از ساکنان باسعیدو و جزیره هنگام را که با آنها حسن رابطه داشتند سوار کرده و با لوازم و تجهیزات این دو محل روانه بحرین شد و حکومت بندرعباس روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۱۴ هجری شمسی طی تلگرافی به عنوان وزارت امور خارجه ایران رسماً اطلاع داد که روز ۲۱ بهمن ۱۳۱۴ تخلیه باسعیدو و ازطرف قوای بحریه انگلیسی خاتمه پذیرفته است در حالیکه ۳۸ نفر از سکنه باسعیدو را کشتی انگلیسی باخود برده است. با اینکه دولت انگلیس تخلیه دو پایگاه باسعیدو و جاسک را «انتقال به سواحل عربی» قلمداد میکرد و با اینکه امر مختومه اعلام شده بود، مطبوعات انگلستان، و مجلس نمایندگان (مجلس عوام) انگلیس مطلب را دنبال مینمودند تا جائی که سرآرنولد ویلسن مؤلف کتاب خلیج فارس و کسی که عمر درازی در مسائل خلیج فارس بسر آورده و خود محقق در مسائل جغرافیائی و علمی آن بوده است و در این زمان نماینده مجلس عوام انگلستان بود در روز ۱۹ فروردین ۱۳۱۴ در پساارلمان انگلیس سئوالی از وزیر خارجه انگلیس مطرح نمود و وزیر خارجه

انگلیس در جواب او گفت باسعیبدو خاک انگلستان نبوده و انتقال مؤسسات آن به بحرین منافع انگلستان را بهتر تأمین میکند.

در همین زمان روزنامه تایمز که ناشر افکار سیاسی دولت انگلستان بود تحت عنوان «تغییرات دریائی خلیج فارس» مقاله‌ای انتشار داد و محاسن انتقال مؤسسات باسعیبدو به بحرین را برشمرد و موافقت شیخ بحرین با این انتقال را متذکر شد. پس از انتشار این مقاله وزیر مختار ایران در لندن موضوع تحت‌الحماکی شیخ بحرین و استفاده انگلستان از نفت و مروارید در بحرین را که در این مقاله بدان تصریح شده بود مورد اعتراض قرارداد و همین نامه وزیر مختار ایران در روزنامه تایمز لندن درج گردید.

سیاستمداران کهنه‌کار انگلیسی مخصوصاً آنها که در حوزه قدرت حکومت هندوستان خدمت کرده بودند به سختی علیه این اقدام دولت انگلیس با اعتراض برخاستند و باسعیبدو را جزئی از خاک انگلستان شمردند و عمل دولت انگلیس را تقبیح نمودند. در این میان «سر-لوئیس دان» که سالها در هندوستان مشاغل مهمی داشته و مدتی معاون لرد کرزن نائب‌السلطنه هند بوده در جواب نامه وزیر مختار ایران مقاله‌ای نوشت و در روزنامه تایمز لندن در تاریخ ۶ اپریل ۱۹۳۵ چاپ شد.

در این مقاله عطش پایان‌ناپذیر و نظرهای سیاست انگلستان در خلیج فارس را آشکارا میخوانیم. در این نامه یا مقاله مساله کشیدن راه آهن از سواحل مدیترانه به بغداد و کویت و منافعی که برای انگلیس و رقبای او بخصوص آلمان داشته است و مسافرت لرد کرزن به خلیج فارس و ملاقات با رؤسای سواحل جنوبی خلیج فارس در عرشه کشتی جنگی «ارکونات» که از چین مراجعت میکرده و جلال و شکوه درباری کشتی تأثیر عمیق در رؤسای طوایف و شیوخ حکام عربی سواحل جنوبی خلیج فارس گذاشته است و از همه مهمتر ارتباط کرزن با داری معلوف و نماینده او و بازدید کرزن از میدان نفتون (ایران) توضیحات مستندی وجود دارد که پرده‌های سیاست نفتی استعمار انگلیس را در خلیج فارس بالا میزند. در همین مقاله نامه مانند و یا نامه مقاله‌مانند است که «دان» بر تجربه و سیاستمدار کهنه‌کار انگلیسی مینویسد: «اکنون که بایک ایران فعال و یک عربستان سعودی مواجه شده‌ایم باید بامور خلیج فارس با کمال دقت و مواظبت دست بزنیم.

بدیهی است که بحرین مطبوعتر و بعلاوه پیشرفته‌های اخیر نیز به اهمیت آن افزوده است ولی عیبی که دارد اینست که به سواحل خلیج فارس نزدیک است و برای تحت نظر قرارداد عبور و مرور کشتی‌ها در خلیج مناسب نیست، لذا بهتر است که حقوق حقه خود را در همه ایستگاههای سابق محفوظ بداریم، هرچند که فعلاً احتیاج به وجود آنها نداشته باشیم، شاید یک روز هم محتاج باشغال مجدد آنها شویم. خراب کردن کار آسانی است ولی ساختن باین آسانی میسر نیست.»

مرحوم حسین علاء وزیر مختار ایران در لندن به مقاله مورخ ۶ اپریل ۱۹۳۵ سرلوئیس دان در روزنامه تایمز لندن پاسخ نوشت: «سرلوئیس دان در مقاله خود مینویسد که باسعیبدو قطعه کوچک خاکی بود که از موقع جنگ با ایران در ۱۸۵۶ به تملک انگلستان درآمد و حقوق ما را در آنجا تصدیق کرده بودند. در این اواخر یکی از کشتیهای جدید

ایران این حق را انکار کرده بود ولی بعد مجبور شدند آنرا بپذیرند. در اینجا لازم میدانم خاطر نشان سازم که از صد سال باینطرف که انگلیسها باین نقطه رفت و آمد داشته‌اند هیچ وقت دولت انگلستان ادعا نکرده است که باسعیو جزء خاک انگلیس بوده باشد.

وزیر خارجه انگلستان هم دیروز در مجلس مبعوثان در جواب سر آرنولد ویلسن که او نیز در همین اشتباه بود، این نکته را صریحاً خاطر نشان نمود. بعلاوه اینطور بنظر آمد که تصور کرده‌اند باسعیو بثنهائی يك جزیره است، حال آنکه اینطور نیست و نقطه مذکور قسمت کوچکی از جزیره بزرگ قشم است که تمام آن بثنهائی يك جزیره است. ثانیاً لازم می‌دانم باطلاع شما برسانم که دولت متبوعه من درعین اینکه هیچوقت و بهیچ طریقی حقی برای انگلستان در باسعیو یا «هنگام» (۱) نشناخته، ممهذاً این اقدام دولت انگلستان را که با مقتضیات عصر جدید ایران و با مناسبات حسنه موجوده بین مملکتین وفق میدهد با مسرت تلتی مینماید. بعلاوه دولت ایران به وزیر مختار انگلیس مقیم تهران اطمینان داده است که قبرستانهای «باسعیو» و «هنگام» که سر بازان و ملاحان انگلیسی در آن مدفونند مورد حفظ و حمایت واقع خواهد شد و تعلیماتی برای نگاهداری و مراقبت آنها صادر گردیده است.

بالاخره لازم میدانم این نکته را هم نصب‌العین کنم که دولت فعال ایران که سرلوی‌دان به آن اشاره کرده است، بهیچوجه خطری برای انگلستان نیست، زیرا دولتمین دارای منافع مشترکی بوده و صرفه طرفین مستلزم آن است که کلیه اختلافات موجوده را با روح مسالمت و با فهم تغییراتی که در اوضاع ایران پیش آمده است حل کنند.

در اسناد وزارت امور خارجه انگلیس که در پرونده «راکد ۱۴۵۴۲ - ۳۷۱ - اف» او، مضبوط است به نقل مولف کتاب «دریا نوردی ایرانیان» بیست و سه صفحه تلگراف، نامه، گزارش، اظهار نظر دیپلماتهای عضو وزارت خارجه انگلستان، حکومت هندوستان، نظامیان دریاداری انگلستان وجود دارد و همه این اوراق نشان دهنده علاقه انگلیسیان و عمال سیاسی و نظامی آنها به حفظ و نگهداری پایگاه مهم سوق‌الجیشی باسعیو و در دهانه خلیج فارس و مجاور تنگه هرموز است. نخستین سند از برگه ۲۳۱ پرونده ۱۴۵۴۲ - ۳۷۱ آغاز و به برگه ۳۵۴ خاتمه می‌یابد. (۲)

پس از برداشتن پرچم انگلیس از باسعیو، پرچم انگلیس از جزائر هنگام و هرموز و سپس از بوشهر که بر روی چراغ راهنمایی دریائی برافراشته میشد نیز برداشته شد. باسعیوی قشم پس از صدویکسال که از خاک ایران عملاً منترع شده بود به آب و خاک ایران بازگشت و امروز قریه کوچکی بر دماغه شمالی جزیره قشم ایران است.

جزیره های تمب

جزیره های تمب بزرگ و کوچک را در لهجه‌های جنوب ایران (تمب‌گپ) و (تمب)

۱ - منظور جزیره هنگام است.

۲ - دریانوردی ایرانیان - اسماعیل رائین - جلد دوم صفحه ۷ - ۸۶۶.

مار) مینامند. تمب باتاء مضموم و «م» و «ب» ساکن بمعنی تپه و تل و زمین برآمده بکار رفته است. در زبان دریانوردان بومی این دوجزیره را «تمب گپ» بمعنی تمب بزرگ و «تمب مار» مینامند. در اسناد و مکاتبات قرن اخیر غالباً از آنها بنام «تنب» و «تنب بزرگ» ، «طنب» ، «طنب مار» ، «تنب کوچک» نام رفته است. ولی بیشترین نامی که بآنها داده شده است «تنب» بوده است ، درحالیکه بی هیچ تردید ، نام رایج در لهجه مردم سواحل و جزائر خلیج فارس برای این دو جزیره : «تمب گپ» و «تمب مار» است. تمب مار را «تمب کوچک» «تل مار» ، «تنب مار» ، «طنب کوچک» : «نایوتنب» «نبی تنب» نیز خوانده اند. امروز نام صحیح این دو جزیره در عرف اداری ایران جزیره های تنب یا «تنب ها» است که در تلفظ تمب و تمبها هم گفته میشود .

«ادامه دارد»

انتخابی شایسته

انجمن آثار ملی از مؤسسات بسیار ارجمند کشور در نگاهبانی یادگارهای نیاکان و بسط فرهنگ و ادب و معارف عمومی است که در عصر اعلیحضرت رضا شاه کبیر پهلوی اول ایجاد شده و در دوره شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی دوم رونق و جلوه ای دیگر یافته و مصدر خدماتی ارزنده بوده است و می باشد. هر مؤسسه آنگاه سودبخش تر میشود که سرپرستی دانا و آزموده و علاقمند بدان نوع خدمت داشته باشد. مرحوم محمد علی فروغی نخستین رئیس نامی این مؤسسه است و از آن پس سبهد فرج الله آق اولی را باید نام برد و به روانش درود فرستاد که این مرد نجیب با عشق و علاقه ای زاید الوصف در تمام عمر تمام همت را بکار برد و آثاری جاوید از خود بیادگار گذاشت .

اخیراً به فرمان شاهنشاه آریاسهر جناب دکتر هوشنگ نهانودی به ریاست این مؤسسه انتخاب شده و از هر روی نگریده شود بعد از فروغی و آقاولی دکتر نهانودی مناسب ترین شخصیت برای احراز چنین مقامی مقدس و منزه است .

اطمینان قطعی است که دکتر نهانودی با حمایت اعضای انجمن آثار ملی که همه از رجال نیکنابند و با دستیارانی چون آقای سید محمد تقی مصطفوی که از اخیار و نیکه نامان کشور است توفیقی شایسته خواهند یافت. ان شاء الله